

پزشکیان:

ایران، ایران امام رضا(ع) است

رئیس جمهور روز گذشته در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: در روزگاری که استقامت و امید در کنار هم نفس می‌کشند، دل های خسته این سرزمین، در آستان مهریان امام رثوف آرام می‌گیرد. دکتر مسعود پزشکیان در پیام خود با تاکید براین‌که «ایران، ایران امام رضا(ع) است»، نوشت: اینک ای خوب، فصل غریبی سر آمد چون تمام غریبان، تو را می‌شناسند

■ ■ ■

قالبیاف:

مسئولان، با وحدت کامل تابع امر رهبر هستند



رئیس مجلس شورای اسلامی روز گذشته در یک پیام صوتی خطاب به مردم ایران گفت دشمنان از روز اول دنبال این بودند که با ترور رهبر انقلاب و فرماندهان نظامی، ظرف سه روز کار نظام را تمام کنند اما شکست خوردند. سپس سراغ از بین بردن سیستم آفندی کشور رفتند اما هرچه گذشت دیدند که نواخت موشک‌ها و پیپادهای ما ادامه دارد. محمدباقر قالیباف افزود: دشمن در ادامه به سمت ونزوئلاسازی ایران رفت و بازهم شکست خورد، سپس سراغ این رفتند که از غرب کشور تجربه‌طلبان را فعال کنند که به لطف خدا و زحمات نیروهای نظامی و اطلاعاتی شکست خوردند. بعد از ماه‌ها برنامه‌ریزی و زدن پایگاه‌های امنیتی کشور در طول جنگ، برای چهارشنبه‌سوری طراحی کودتا کردند اما مردم ایران به‌صورت یکپارچه تودهنی بزرگی به آنها زدند.

قالیباف ادامه داد: دشمن به دنبال وارد کردن نیرو به کشور بود و این طرح را در اصفهان آزمایش کردند اما به رسوایی طیس ۲ تبدیل شد. هرکدام از این طراحی‌ها می‌توانست یک کشور را از پا دربیاورد اما ملت ایران به پشتوانه لطف الهی توانسته است تک‌تک این طراحی‌های دشمن را به شکست بکشاند.

وی یادآور شد: این شکست دشمن، یک زیرساخت اجتماعی سیاسی داشت و بدون آن هیچ توفیقی حاصل نمی‌شد و آن حضور منسجم و فعالانه مردم بود اما دشمن وارد مرحله جدیدی شده است و می‌خواهد با محاصره دریایی و جوسازی رسانه‌ای، فشار اقتصادی و اختلاف‌افکنی داخل کشور را فعال کند تا ما را از درون دچار ضعف یا حتی فروپاشی کند. رئیس مجلس گفت: ترامپ صراحتا کشور را به دو دسته تندرو و میانه‌رو تقسیم می‌کند و بعد هم بلافاصله از محاصره دریایی سخن می‌گوید تا ایران را از طریق فشار اقتصادی و اختلاف داخلی مجبور به تسلیم کند.

وی در ادامه تأکید کرد: راه حل مقابله با توطئه جدید دشمن فقط یک چیز است؛ حفظ انسجام. از روز اول تا امروز حفظ انسجام باطل‌السر همه توطئه‌های دشمن بوده است و امروز با توجه به طراحی جدید دشمن، اهمیتش بیشتر است و هر اقدام اختلاف‌افکنانه‌ای کاملاً در طرح جدید دشمن قرار دارد.

قالیباف افزود: به‌عنوان کسی که وسط میدان هستم به ملت ایران عرض کنم که نگران نباشید؛ ما مسئولان، همه تابع امر رهبر کشور هستیم و ایشان ولی امر ما و نایب امام عصر(عج) هستند و خیر دنیا و آخرت ما در این است که از اوامر ایشان تبعیت کنیم. وی تأکید کرد: شما اطمینان کنید که ما با وحدت کامل بین مسئولان نظامی و سیاسی، داریم کارها را پیش می‌بریم و محور وحدت ما هم دستورات ولی امر مسلمین است.

رئیس مجلس گفت: با شناختی که من از مردم ایران دارم عرض می‌کنم که این مردم به فضل الهی این طراحی فریبکارانه دشمن را هم شکست می‌دهند و ما در این جنگ به پیروزی درخشان می‌رسیم و شامل الله وعده الهی می‌شویم که «وَأَخْرَجَ تُجِبُونَهَا نَصْرَ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ».

خلیج فارس؛ دریای غیرت‌ایرانی

۱۰ اردیبهشت، روز ملی خلیج فارس بهانه‌ای است برای پاسداشت بزرگانی چون رئیس‌علی دلواری و سردار تنگسیری که با مقاومت و فداکاری ستودنی خود از تمامیت ارضی ایران دفاع کردند



تاریخ دارد و با رشادت‌های مردان دلیر جنوب گره خورده است.

■ خلیج فارس؛ سند هویت و تاریخ زنده

خلیج فارس فقط یک پهنه آبی نیست؛ جایی است که تاریخ، سیاست و عاطفه در هم تنیده شده‌اند. از گذرگاه تجارت باستانی تا صحنه رقابت قدرت‌های جهانی، این منطقه همیشه مرز محسوس حضور و حاکمیت ایران در جنوب بوده است. هر تلاش برای تحریف نام آن حمله‌ای به هویت تاریخی ایرانیان به‌شمار می‌رود. ایرانیان در برابر این فشارهای بیرونی، نام خلیج فارس را نه‌فقط به‌عنوان میراث گذشتگان، بلکه به‌عنوان بخشی از شأن و کرامت ملی خود بازخوانی کرده‌اند. این مقاومت، ریشه در عمق

میرمهنات و نیروهایش، ناوگان استعماری را به چالش کشید و امنیت تنگه هرمز را برای سال‌ها تحت تأثیر قرار داد. امروز در جنوب ایران، میرمهن‌ها به‌عنوان نماد غیرت ملی و مقاومت در برابر استعمارگران دریایی شناخته می‌شود.

■ رئیس‌علی دلواری؛ کاپوس انگلیسی‌ها

در ادامه همین زنجیره رشادت، رئیس‌علی دلواری، رهبر قیام جنوب و مبارز مشروطه‌خواه، در جنگ جهانی اول حماسه‌ای جاودان آفرید. وقتی نیروهای انگلیسی در سال ۱۲۹۴ شمسی بوشهر را اشغال کردند و بی‌طرفی ایران را نقض نمودند، رئیس‌علی دلواری به همراه دیگر دلیرمردان تنگستان و دشتی، پرچم مقاومت را برافراشت.

او با سازماندهی نیروهای محلی و تاکتیک‌های چریکی هوشمندانه، ضربات سنگینی به نیروهای متجاوز وارد کرد. نبرد دلواری یکی از درخشان‌ترین صفحات مقاومت مردمی بود؛ جایی که چند ده تفتنجگی محلی توانستند نیروهای دریایی انگلیس را عقب برانند و ده‌ها افسر و سرباز انگلیسی را از پای درآورند. رئیس‌علی دلواری تا آخرین نفس از خاک جنوب و خلیج فارس دفاع کرد و به نماد غیرت و ایستادگی مردم بوشهر و تنگستان در برابر استعمار پیر تبدیل شد. این دو قهرمان تاریخی نشان می‌دهند که دفاع از خلیج فارس، سنتی دیرینه و مردمی در فرهنگ ایرانی است.

■ سردار شهید تنگسیری؛ معمار اقتدار معاصر

در عصر حاضر، این زنجیره مقاومت با دلاورمردان انقلاب اسلامی ادامه یافته و به اوج رسیده است. سردار شهید علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های این اقتدار بود. متولد تنگستان بوشهر، سردار تنگسیری سال‌ها مسئولیت حراست از آب‌های جنوب، به‌ویژه خلیج فارس و تنگه هرمز را بر عهده داشت. او از فرماندهی منطقه یکم دریایی سپاه تا جانشینی و سپس فرماندهی نیروی دریایی، نقش کلیدی در تقویت توان نامتقارن دریایی، موشکی و پهپادی ایفا کرد. سردار تنگسیری معمار بخشی مهم از استراتژی بازدارندگی ایران در منطقه بود و با تدبیر و شجاعت، تنگه هرمز را به اهرمی قدرتمند در برابر تهدیدات خارجی تبدیل کرد. شهادت او در جریان جنگ اخیر با آمریکا، بار دیگر نشان داد که فرزندان جنوب ایران همچنان با همان روحیه میرمهن‌ها و رئیس‌علی دلواری، تا پای جان از حاکمیت بر خلیج فارس دفاع می‌کنند. نام تنگسیری امروز در امتداد همان سنت تاریخی مقاومت در جنوب، در ذهن مردم ماندگار شده است.

■ یادداشت

دکتر محمود رضا امینی، کارشناس ارشد راهبردی و حکمرانی اسلامی

ضرورت توجه جدی

اقتصادی- اجتماعی به مردم

که‌توجهی به اقتصاد در بسیاری از جوامع، هنگامی‌که جنگ، بحران ملی، امنیتی، طبیعی یا اجتماعی رخ می‌دهد، نخستین واکنش مردم معمولاً همبستگی، همراهی و حضور برای کمک است. این رفتار ریشه در سرمایه‌های فرهنگی، ایمان اجتماعی، حس مسئولیت‌پذیری و پیوندهای جمعی دارد. تجربه‌های گوناگون نشان داده که توان عبور از بحران‌ها تنها به ظرفیت‌های دولت و ساختار مدیریتی محدود نمی‌شود؛ بلکه به میزان اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی نیز وابسته‌است. در چارچوب ارزش‌ها و اخلاق اجتماعی، «رضایت عمومی» و «اعتماد اجتماعی» از ارکان پایداری جامعه به شمار می‌آیند. با این حال، در دوره‌های فشار اقتصادی ممکن است پرسش‌هایی جدی شکل بگیرد: چرا باوجود همراهی مردم در بحران‌ها، مسیر اقتصادی یا کیفیت خدمات عمومی با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شود؟ چگونه می‌توان میان مشارکت اجتماعی مردم و ناپایداری‌های هزینه‌محور در اقتصاد رومزمره تعادل برقرار کرد؟ این پرسش‌ها نیازمند نگاه تحلیلی، همه‌جانبه و پرهیز از داوری‌های شتاب‌زده‌است.

شکاف میان «همراهی اجتماعی» و «تجربه اقتصادی رومزمره» یکی از نکات مهم در تحلیل وضعیت اجتماعی، وجود نوعی شکاف ادراکی میان روحیه فداکاری مردم و احساس فشار در زندگی روزمره است. در بسیاری از کشورها، حتی زمانی که مردم برای حمایت از جامعه و نظام ایستاده‌اند، هم‌زمان ممکن است در مواجهه با گرانی‌ها، کاهش کیفیت خدمات یا تغییرات پی‌درپی تعرفه‌ها احساس کنند که «هزینه زندگی» از کنترل خارج شده است.

برجسته‌کردن فروغی، در حال صورت‌بندی یک الگوی سیاسی برای «اکتون» هستند؛ الگویی که قرار است به مخاطب القا کند: «اگر می‌خواهید وطن بماند، باید یاد بگیرید چگونه در برابر زور، سرفروند آورید.» او قرار است نشان دهد که تاریخ ایران، تاریخ اضطراب است و تنها راه نجات، دیپلماسی تسلیم. عجیب‌تر آن‌که این تلاش برای احیای فروغی، درست در زمانی رخ می‌دهد که نظم غربی مورد ستایش این جریان، پس از دو جنگ اخیر رژیم صهیونیستی و حمایت آمریکایی‌اش، با ضربه‌ای مهلک روبه‌رو شده است. وقتی ساختارهای بین‌المللی متکی بر هژمونی غرب در حال ترک‌خوردن است، بنابرند به نسخه «فروغی‌سازی»، چیزی جز یک «واپس‌گرایی استراتژیک» نیست. این وضعیت، هشدار جدی برای جریان فکری انقلابی نیز هست. اگر این جریان تصور کند که با پایان «جنگ‌های اخیر»، نسخه‌های غرب‌گرایانه خودبه‌خود از صحنه حذف می‌شوند، دچار خطایی

سال‌های اخیر برای احیای نمادین این چهره تاریخی در برخی محافل فکری دنبال شده است. این بازنمایی صرفاً یک یادآوری تاریخی نیست، بلکه بخشی از تلاش منسجم برای صورت‌بندی یک الگوی مشخص از سیاست و رزی است؛ الگویی که به‌نظم می‌رسد در برخی اتاق‌های فکر و محافل نزدیک به جریان‌های تکنوکرات و توسعه‌گرا در حال تدوین است.

پیش‌تر نیز نشریاتِ چون «سیاست‌نامه» و «اندیشه‌پویا» در قالب پرونده‌ها و مقالات متعدد، به بازخوانی و برجسته‌سازی چهره فروغی پرداخته بودند؛ روندی که اکنون با صراحت بیشتری در حال پیگیری است.

بازخوانی فروغی در فضای فکری امروز، نه یک واکاوی علمی که تلاشی است برای «مشروعیت‌بخشی به وادادگی». در قاموس نئولیبرالیسم وطنی، «عقب‌نشینی» و «واقع‌بینی» نامیده می‌شود و «سازگاری با فشار خارجی»، ترجمان «عقلانیت» است. آنها با

■ تنگه هرمز؛ شاه‌رگ قدرت و بازدارندگی ایران

اگر خلیج فارس نماد حافظه و هویت ملی است، تنگه هرمز نماد قدرت و بازدارندگی راهبردی ایران به‌شمار می‌رود. این گذرگاه باریک، که بخش عمده انرژی جهان از آن عبور می‌کند، امروز فراتر از یک معبر جغرافیایی است. ترکیب موقعیت ممتاز جغرافیایی، استحکامات جزایر، توان دریایی نامتقارن و تجربه تاریخی مقاومت، به ایران امکان داده تا بدون نیاز به جنگ تمام‌عیار، هزینه‌هر تقابل را برای دشمن به‌شدت افزایش دهد. در جنگ اخیر با آمریکا، ایران با کنترل دقیق و مسدودکردن هوشمند مسیرهای دسترسی در لحظات حساس، معادلات را به نفع خود تغییر داد. این اقدام نه‌تنها امنیت انرژی جهانی را تحت تأثیر قرار داد، بلکه به جهان‌ایان نشان داد که ایران قادر است نبض اقتصاد جهان را در دست بگیرد. تحلیلگران غربی نیز بارها اذعان کرده‌اند که حتی تهدید کنترل شده به‌اختلال در هرمز، می‌تواند بازارهای بیمه، حمل‌ونقل و انرژی را دچار شوک جدی کند. پس از گذشت هفته‌ها درگیری، دیگر هیچ استراتژیست واقع‌بینی در غرب، امکان تسلط بر این منطقه را متصور نیست.

■ جزایر سه‌گانه؛ خط قرمز غیر قابل عبور

در کنار جنگ بر سر نام، ادعاهای تکراری امارات درباره جزایر سه‌گانه نیز بخشی از پروژه فشار هماهنگ علیه ایران است. این جزایر، بخشی جدایی‌ناپذیر از خاک ایران هستند که با استناد به اسناد تاریخی و حاکمیت عملی، برای همیشه ایرانی باقی خواهند ماند. جمهوری اسلامی ایران هیچ تردیدی در دفاع از این خط قرمزها نشان نداده و نخواهد داد.

در نهایت باید گفت امسال، روز ملی خلیج فارس حامل این پیام روشن است که ایران نه‌تنها میراث‌دار این پهنه آبی است، بلکه حافظ قدرتمند آن نیز به‌شمار می‌رود. از رشادت‌های میرمهن‌ها و رئیس‌علی دلواری در برابر استعمارگران قدیمی تا اقتدار سردار شهید تنگسیری و نیروهای مسلح امروز در برابر تهدیدات مدرن، یک خط مستقیم مقاومت وجود دارد. خلیج فارس امروز نه تهدید برای جهان، بلکه ضامن امنیتی است که توسط بومیان واقعی منطقه تأمین می‌شود. نظم نوین در این منطقه تنها با پذیرش واقعیت قدرت، حاکمیت و اقتدار ایران ممکن خواهد بود. این پهنه آبی، از روند تا هرمز، تا ابد میراث‌دار شکوه، مقاومت و اقتدار ایران زمین خواهد ماند.

این شکاف معمولاً از چند عامل مشترک تغذیه می‌کند:

- اختلال در زنجیره تأمین، فشارهای اقتصادی، چالش‌های مدیریتی و بروکراتیک، که نااهماهنگی در قیمت‌گذاری و نظارت.

وقتی مردم می‌بینند از یک سو برایی امنیت و پایداری کشور کنار مسئولان می‌ایستند اما از سوی دیگر در تجربه رومزمره‌شان با افزایش هزینه‌ها یا بی‌ثباتی تعرفه‌ها روبه‌رو می‌شوند، ممکن است اعتماد به تصمیم‌ها و روند‌ها فرسوده‌شود. اگر این فرسایش کنترل نشود، جامعه در بلندمدت با کاهش سرمایه اجتماعی مواجه خواهد شد؛ سرمایه‌ای که برای عبور از بحران‌ها حیاتی است.

رضایت عمومی در حکمرانی اسلامی

در اندیشه اسلامی، مشروعیت و حکمت حکمرانی تنها به ساختار سیاسی محدود نیست. عدالت اقتصادی، رفع نیازهای ضروری، ایجاد آرامش اجتماعی و رعایت انصاف در هزینه‌ها نیز از ارکان مهم اعتماد عمومی به‌شمار می‌روند. چند اصل کلیدی در حکمرانی مسئولانه عبارت‌اند از:

- عدالت در توزیع امکانات

- رعایت انصاف در اخذ هزینه‌ها و تعرفه‌ها

- حفظ کرامت مردم در دسترسی به خدمات ضروری

- ایجاد اطمینان و اعتماد عمومی

- نظارت مؤثر برای جلوگیری از تخلف، گران‌فروشی یا سوءاستفاده

در چنین نگاهی، اگر فشار اقتصادی با ادراک نابرابری یا بی‌ثباتی همراه‌شود، جامعه دچار «خستگی ذهنی» می‌شود؛ خستگی‌ای که حتی اگر ریشه برخی مشکلات بیرونی باشد، باز هم ضرورت بازآفرینی اعتماد را پرزنگ می‌کند. بنابراین حاکمیت باید با تقویت عدالت، افزایش کیفیت خدمات و ارتباط شفاف با مردم، این خستگی را مدیریت کند. /متن کامل را در «جام جم آنلاین» بخوانید.



متن کامل

استراتژیک شده‌است. جریان نئولیبرالیسم داخلی، مهارت ویزه‌ای در «تغییر وضعیت» دارد. آنها اکنون با تکیه بر پروپاگاندای فکری و ساختن اسطوره‌هایی چون «ناجی سازشکار»، در تلاشند تا بستر فکری ادامه مسیر جنگ ارقضه‌کنند.

اگر نیروهای معتقد به اعتلای بومی و توسعه درون‌زا نتوانند این «هژمونی تاریخی» را به چالش بکشند و برای فضای پساجنگ، روایت رقیب و ابجاعی ارائه ندهند، فرصت تاریخی «استحاله جریان غرب‌گرا» در دست خواهد رفت.

پاسخ به این پروژه، نه فقط در نقد گذشته، که در ارائه الگوی «توسعه مستقل» و تبیین «عقلانیت مقاومت» است؛ عقلانیتی که نه بر مبنای ترس از دشمن، که بر اساس توان ملی و اقتدار سرزمینی بنا شده باشد. اگر این جبهه فکری شکل نگیرد، مسیر آینده، نه مسیر توسعه، که جاده‌ای باریک و پرپیچ‌وخم برای پذیرش نظم‌های تحمیلی خواهد بود.